

60-426

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 60

Date of filing: 20/11/90

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_  
- Date of Award \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of and D.O. of Mr Ansari  
- Date 20 Nov 90  
X pages in English 22 pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

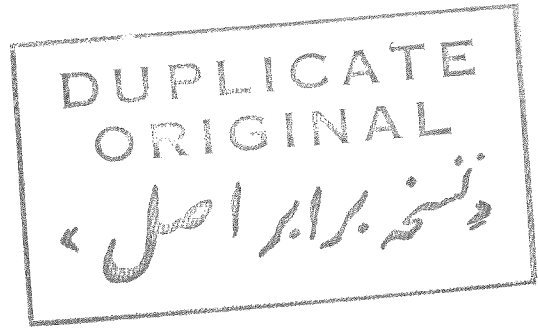
دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

Dissenting and Concurring

Opinion of Judge Parviz Ansari

Case No. 60 Chamber 3

بنام خدا



پرونده شماره ۶۰

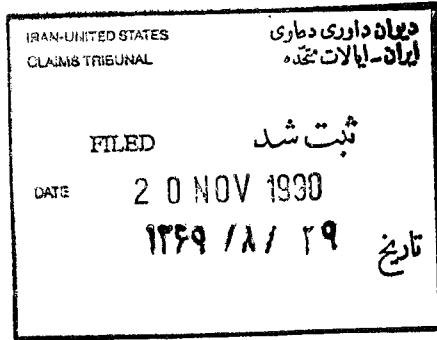
شعبه سه

حکم شماره ۳-۶۰-۴۸۵

دولوپمنت اند ریسورسز کورپوریشن،

خواهان،

- و -



دولت جمهوری اسلامی ایران،

سازمان آب و برق خوزستان ،

سازمان امور اداری و استخدامی کشور ،

وزارت نیرو ،

وزارت کشاورزی ،

شرکت ملی نفت ایران ،

وزارت اقتصاد، و

بانک مرکزی ،

خواندگان.

---

 نظر مخالف و موافق قاضی پرویز انصاری
 

---

## مقدمه

در قسمت‌هایی از رأی حاضر که مورد موافقت اینجانب است نیازی به توضیح یا تکرار مطلب نمی‌بینم و لذا از ذکر آنها خودداری می‌نمایم. لیکن نظرات خود را در خصوص اساسی‌ترین جنبه‌های رأی حاضر که با آن مخالف هستم ذیلاً بیان میدارم. ابتداءً اشاره به ایراداتی مینمایم که در امر رسیدگی به ادعاهای خواهان بر علیه کلیه خواندگان مصداق دارد. از جمله این ایرادات نحوه برخورد و تجزیه و تحلیل مباحث و دلایل عنوان شده از سوی طرفین دعوی، تعبیر و تفسیر قرارداد و رعایت قواعد اثبات ادعا میباشد. بطور کلی چنین بنظر میرسد که فرض عدم تعهد و مسئولیت که نقطه آغاز و از اصول رسیدگی قضائی است واژگونه نهاده شده و در بررسی ادعاها فرض بر آن بوده است که ادعا معتبر است و مسوولیت جبران وجود دارد مگر آنکه خلاف آن اثبات گردد. در موارد عدیده ملاحظه میشود که اکثریت بر اساس حدس و گمان و نه بر اساس دلیل و منطق قضائی اتخاذ تصمیم کرده است. حتی بدیهی‌ترین قاعده یعنی لزوم ارائه دلیل از سوی طرفی که مدعی حقی و یا وقوع امری است در موارد تعیین کننده و مهمی بدقت مراعات نشده است و در نتیجه بجای تکلیف ارائه دلیل به خواهان، ادعای وی با تساهل قبول گردیده و از خواننده خواسته شده است که ادعای خواهان را با تسلیم ادله معتبر رد نماید، بدون آنکه همان تساهلی که در قبول دلیل از سوی خواهان روا شمرده شده در حق خواننده نیز در مقام اقامه دلیل معارض پذیرفته گردد.

## ادعاهای علیه سازمان آب و برق خوزستان :

در خصوص ادعاهای خواهان، دولوپمنت اند ریسورسز کورپوریشن ("دی اند آر")، علیه سازمان آب و برق خوزستان ("سازمان") بدواً تذکر چند نکته راجع به جریان رسیدگی لازم است. اول آنکه اکثریت از قبول لایحه مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۸۶ سازمان بعثت ثبت خارج از موعد آن خودداری نمود. توضیح آنکه سازمان متعاقب درخواست قبلی خود از دیوان دایر بر کسب اجازه

برای ثبت اسناد و مدارکی که جدیداً بدان دسترسی یافته بود لایحه مذکور را ثبت نمود. با توجه به اینکه حوزه فعالیت و عملیات سازمان در استان خوزستان واقع است و استان مذکور در نتیجه سالیان متمادی جنگ تحمیلی صدمات زیادی دیده بود و سازمان نیز به طبع از شرایط و صدمات جنگی کنار نمانده بود بنظر اینجانب توضیحات سازمان و دلایل وی برای تأخیر در دسترسی به مدارک مورد بحث موجه بود و انصاف ایجاب میکرد که دیوان لایحه سازمان و نیز درخواست وی را برای ارائه مدارک بیشتر که کمک به کشف حقایق و روشن نمودن ابهامات مینمود میپذیرفت. نکته دیگر آنست که سازمان از ابتدا<sup>۶</sup> طرح این ادعا در دیوان مکرراً خواستار آن گردید که از دی اند آر خواسته شود که اسناد و مدارک و دفاتر مربوط به دوره اجرای قرارداد را در اختیار سازمان قرار دهد و دیوان با تعیین کارشناس، به دفاتر و اسناد دی اند آر در سنوات ذیربط رسیدگی نماید. این اقدام بخصوص از آن جهت ضرورت داشت که رسیدگی به پاره‌ای ادعاها از جمله ادعای مربوط به برآورد تجدید نظر شده عملیات ساختمانی طرح های ب، ج، د و نیز ادعاهای متقابل سازمان نیاز به دسترسی به سوابق و اسناد هزینه دی اند آر داشت و دی اند آر تنها منبعی بود که اسناد مذکور را می‌توانست ارائه دهد.

#### ادعاهای مربوط به بعد از اوت ۱۹۷۸ :

مدافعات سازمان در برابر ادعاهای مربوط به بعد از اوت ۱۹۷۸ همانگونه که در رأی نیز اشاره شده است عمدتاً "مربوط به عدم وجود و یا عدم کفایت مدارک مثبت و در مواردی نیز مربوط به غیر قابل پرداخت بودن مبالغ مورد ادعا بدلیل عدم انطباق آن با مندرجات قرارداد میباشد. صرفنظر از قاعده کلی بار دلیل که بر عهده خواهان است در ماده ۴ قرارداد موضوع دعوی نیز تأکید بر لزوم ارائه "صورتحسابهای مشروح ماهانه... متکی به مدارک مثبت" گردیده است. از این رو ایراد سازمان هم در قالب قواعد کلی رسیدگی قضائی و هم از حیث تعهدات قراردادی طرفین موجه است. با توجه به مفاد قرارداد، دی اند آر بمنظور جبران مخارجی که در اجرای خدمات موضوع قرارداد متحمل میگرددیده است و نیز برای توجیه وجود و میزان هزینه‌ها مکلف بوده است ضمن ارسال صورتحسابهای ماهانه مدارک مثبت‌ای که وقوع هزینه را

مسجل سازد به سازمان تسلیم دارد. در نبود چنین مدارکی سازمان نه تعهدی داشته و نه اینکه عملاً قادر بوده است صرف هزینه از سوی دی اند آر و لزوم و انطباق آنرا با قرارداد بررسی و تأیید کند. متأسفانه اکثریت در مواردی بدون آنکه مدارک کافی در خصوص هزینه ادعا شده وجود داشته باشد و فقط به ظن صحت ادعاء پرداخت هزینه از سوی دی اند آر و وجود مسوولیت برای بازپرداخت از سوی سازمان را پذیرفته است.

بعضاً در توسل به حدس و گمان و استحسان بجای دلیل و منطق قضائی آنقدر افراط شده است که وقوع امری را در روابط گذشته طرفین دعوی بدون اینکه سابقه‌ای از آن در پرونده موجود باشد مسلم فرض گردیده است. بعنوان مثال در بند ۶۸ رأی در مبحث ایرادات کلی سازمان به ادعاهای دی اند آر این عبارت دیده میشود:

"مدارک ضمیمه ادعاهای صورتحسابهای دی اند آر غالباً شامل مدارک موئید معمولی است که سازمان قبلاً بر اساس آنها، مبالغ قابل پرداخت بابت این قبیل صورتحسابها را تأیید کرده است"

اظهار فوق ظاهراً بدان معنی است که مدارک پشتیبان تسلیم شده توسط دی اند آر در اثبات ادعاهای مربوط به صورتحسابها بدلیل آنکه مشابه مدارکی بوده است که در گذشته تسلیم و توسط سازمان پذیرفته شده است بنابراین برای اثبات ادعاهای مطروحه در این پرونده نیز کفایت میکند. بهر حال منظور هرچه باشد اظهار فوق فاقد دلیل است. سوابق معاملاتی قبلی طرفین و مدارکی که نشان بدهد سازمان قبلاً تحت مدارک پشتیبان مشابه با آنچه اکنون توسط دی اند آر ارائه شده است پرداختی به وی کرده باشد ارائه نشده است. جای شگفتی است چگونه اکثریت بدون دسترسی به سوابق معاملاتی گذشته طرفین توانسته است به نتیجه مندرج در بند ۶۸ رأی برسد. در موارد متعدد دیگری بدون آنکه سابقه‌ای از عملکرد گذشته طرفین و نوع مدارک مثبتی که قبلاً برای اثبات هزینه‌ها توسط دی اند آر به سازمان تسلیم میشده در پرونده وجود داشته باشد، در قبول ادعاهای دی اند آر با استدلالی شبیه استدلال فوق توسل گردیده است. بر همین روال اکثریت حتی در جائی که لزوم ارائه مدارک پشتیبان را بطور

اصولی پذیرفته است، بازهم حاضر نشده است فقدان آنرا موجب رد ادعا بداند و بیافتن معاذیری جهت توجیه آن بر آمده است. در بند ۷۲ رأی در مبحث بررسی ایرادات کلی سازمان تحت عنوان عدم کفایت مدارک پشتیبان چنین نتیجه‌گیری شده است:

"تحت این اوضاع و احوال، نبود امضاء دوم در کارتهای ساعت کار باغلب احتمال ناشی از شرایط فورس‌ماژور، بوده است. دی اند آر در حدی که منطقیاً امکان پذیر بوده، سند و مدرک ارائه کرده است. [سازمان] دلیل و مدرک معتبری ارائه نکرده که نشان دهد کارکنان در طول این دوره‌ها در محل کار حاضر نمیشده‌اند و قرارداد نیز ارائه کارتهای ساعت کار را به عنوان شرط مطلقاً برای پرداخت شناخته و بعلاوه هیچ اعتراضی نیز در آن زمان صورت نگرفته است."

بطوریکه ملاحظه میشود اکثریت بدین توهم که ممکن است علت عدم وجود کارتهای ساعت کار و یا عدم امضاء فورس‌ماژور بوده باشد ادعای بدون دلیلی را میپذیرد. این نتیجه‌گیری نشان دهنده منطقی ضعیف نیز هست. چگونه است که فورس‌ماژور فقط مانع امضاء کارتها گردیده است لیکن مانع حضور و ادامه کار کارکنان دی اند آر نشده است. اکثریت با سهولتی که در بالا ذکر شد بر اساس حدس و گمان عدم ارائه کارتهای امضاء شده از سوی دی اند آر را موجه دانسته است، لیکن چند سطر بعد در همین بند از رأی از سازمان توقع دارد که عدم حضور کارکنان دی اند آر را در سرکار با ارائه دلیل و مدرک معتبر ثابت کند، در حالیکه هم مندرجات و شرایط قراردادی و هم قاعده بار اثبات ادعا ایجاب میکند که دی اند آر بعنوان خواهان، مدارک لازمه برای اثبات حضور کارکنان خود و انجام خدمات را ارائه نماید. اکثریت در ادامه استدلال خود در بند ۷۲ رأی تسلیم کارتهای ساعت کار را شرط ضروری برای تحقق پرداختها ندانسته است، در حالیکه اولاً "بموجب بند الف-۳ از ماده ۴ قرارداد، دی اند آر مکلف است: "صورتحسابهای مشروح ماهانه که متکی به اسناد مثبت باشد تسلیم سازمان نماید...". این بدان معنی است که وقوع هرگونه هزینه و پرداخت هرگونه وجهی باید همراه مدارک ثابت کننده خرج باشد. ثانیاً "سوابق امر و عملکرد طرفین نشان میدهد که تسلیم کارتها جزئی از مدارک پشتیبان برای اثبات هزینه بوده است."

در برخی موارد دی اند آر از تسلیم مدارکی که حسب قرارداد مکلف به تسلیم آن بوده است نیز معاف شده است. با آنکه قرارداد در ماده ۶ صراحتاً "دی اند آر را مکلف به تسلیم گزارشهای ماهانه، سه ماه و گزارش خاتمه کار هر طرح یا مرحله مشخصی از خدمات کرده است، معیناً اکثریت عدم تسلیم گزارشها را که در واقع تخلف از قرارداد است بعنوان اینکه پیششرطی برای پرداخت صورتحسابها نبوده است غیر موثر و بی ارتباط تلقی کرده است. (بند ۷۷ راعی). مسلماً اگر تسلیم گزارشهای مذکور ضروری نبود طرفین قرارداد آنرا پیشبینی نمی کردند. ضمناً سازمان بدون در اختیار داشتن گزارشهای مذکور و سایر مدارک مثبتی که دی اند آر مکلف به تسلیم آن به ضمیمه صورتحسابهای خود بوده طبعاً نمیتوانسته است وقوع خرج یا انجام خدمات را بررسی و تشخیص دهد که آیا پرداخت موجه است یا خیر. صدور راعی به پرداخت صورتحسابها در حالیکه طرف دیگر قرارداد به تعهدات خود در تسلیم گزارشها و یا تسلیم مدارک مثبتی لازم عمل نکرده است بمنزله آن است که سازمان را مکلف بدانیم بدون بررسی لازم، صورتحسابهای ارائه شده از سوی دی اند آر را پرداخت نماید.

نمونه دیگری از عدم توجه به الزامات قراردادی و نیز قاعده بار اثبات ادعا را میتوان در اظهار نظر راجع به ادعای مربوط به هزینه های رفاهی و مسکونی کارکنان دی اند آر یافت. اکثریت در بند ۱۰۱ راعی دفاع سازمان را در خصوص لزوم ارائه مدارک پشتیبان که مثبت هزینه های ادعائی باشد بدین نحو پاسخ میگوید که:

" علی الخصوص [سازمان] مدعی است که نسخ اجاره نامه ها، اسناد مالکیت و سایر مدارک و اسناد ارائه نشده، مصوبه هیأت مدیره سازمان مبنی بر اجازه استفاده از مسکن تسلیم نگردیده، اسامی کارکنانی که از مسکن استفاده کرده اند و اسناد و مدارک کافی برای اثبات این مطلب که پرداخت های ادعائی واقعاً انجام گرفته ارائه نشده است. قرارداد ارائه چنین اسناد و مدارکی را الزامی ندانسته است."

بند ۱۰۲ راعی در خصوص ایراد سازمان دایر بر اینکه موافقت وی با انجام هزینه ها کسب نگردیده بود تعبیری از روابط قراردادی طرفین مینماید که آشکارا خلاف مفاد قرارداد است.

قسمت ذیربط بند ۱۰۲ راعی چنین است:

"هرگاه هزینه مورد تقاضا معقول بنظر آید و اعتراضی هم در آن زمان صورت نگرفته باشد، میتوان استنباط کرد که سازمان با آن هزینه موافق بوده است."

بر خلاف اظهار فوق، قرارداد صریحا" انجام هرنوع هزینه از سوی دی اند آر را برای رفع نیازمندیهای مسکونی موکول به موافقت سازمان نموده است. بند ۴ ضمیمه "و" قرارداد مقرر میدارد :

"چنانچه خدمات و تسهیلات مذکور در این قرارداد که از لحاظ اجرای خدمات [دی اند آر] ضروری می باشد از طرف سازمان تأمین نشود [دی اند آر] میتواند با موافقت سازمان و تا حدودی که بطول معقول امکان پذیر باشد مستقیما" این قبیل خدمات و وسایل را به هزینه سازمان تأمین و دایر نموده و بکار اندازد..."

موافقت مذکور باید منطقا" قبل از انجام هزینه کسب شود و بهر صورت هیچگونه پرداختی بدون موافقت سازمان مقدور نیست. حتی اگر هزینه معقول هم باشد با توجه به صراحت قرارداد بدون گرفتن موافقت، سازمان تعهدی برای پرداخت آن نداشته است. علاوه بر لزوم موافقت سازمان که صراحتا" در قرارداد به آن اشاره شده است ارائه مدارکی در خصوص هزینه های انجام شده منطقا" لازم بوده است. روشن است بمنظور اثبات اینکه هزینه ای توسط دی اند آر تحمل شده که تحت قرارداد قابل جبران می باشد در درجه اول لازم است که تحمل هزینه ثابت شود و برای تحمل هزینه نیز بدیهی ترین مدارک سند پرداخت وجوه ادعائی است.

در مورد ادعای مربوط به هزینه سفر و حمل لوازم شخصی کارکنان فنی، سازمان ایراد نموده است که بدلیل عدم تسلیم مدارک کافی پرداخت صورتحسابها امکان پذیر نمیشود. از جمله مدارکی که سازمان خواستار ارائه آن شده است رسید مربوط به پرداخت وجوه است. توقعی منطقی تر از این نمیتواند وجود داشته باشد که برای اثبات هزینه ها مدرک پرداخت و صرف هزینه ارائه شود. اکثریت در بند ۱۱۰ راعی نه تنها در لزوم چنین مدارکی تردید میکند



بلکه علاوه بر آن ظاهراً" به رویه قبلی سازمان در گذشته اشاره میکند و اظهار میدارد که:

"ادعا نشده است که ارائه چنین مدارک مثبت‌ای هیچگاه قبل از تسلیم صورتحسابها ضروری بوده و اظهار نشده که کل مبالغ صورتحساب شده فوق العاده گزاف است."

این اظهار علاوه بر آنکه صحیح نیست، زیرا مدارکی از عملکرد گذشته طرفین ارائه نشده که نشان دهد سازمان بطور معمول چنین صورتحسابهایی را بدون ارائه رسیدهای پرداخت وجه پرداخت مینموده، بلکه از آن حیث نامقبول است که تعبیری از اظهارات سازمان را ارائه میدهد که با واقعیت منافات دارد. سازمان همواره بر این موضع بوده است که برای پرداخت صورتحسابها مدارک پشتیبان که نشان دهنده انجام هزینه و پرداخت وجوه موضوع صورتحسابها است باید ارائه بشود.

در بحث راجع به ادعای دی اند آر برای مطالبه ۱۲۰٪ اضافه بر حقوق خاتمه خدمت کارکنان اکثریت با توسل به مباحثی که نه ریشه در قرارداد دارد و نه استنباط منطقی از اوضاع و احوال قضیه و رفتار طرفین قرارداد است نتیجه می‌گیرد که ۱۲۰٪ اضافه بر حقوق خاتمه خدمت کارکنان قابل پرداخت به دی اند آر میباشد (بند ۱۲۸ ر.ا.ی). ردیف ج از بند ۴ قسمت اول از ماده دوم قرارداد تعلق ۱۲۰٪ اضافی را فقط نسبت به مبلغی که تحت ردیف الف همان بند از قرارداد یعنی "حقوق پرداختی به کادر فنی بر اساس مبلغی که در قرارداد استخدامی آنها با [دی اند آر] امضاء شده است" مجاز میداند. بطوریکه ملاحظه میشود قرارداد فقط به حقوق پرداختی اشاره دارد و در آن ذکری از مبالغی که بابت خاتمه خدمت به کارکنان پرداخت میشود نشده است. از سوی دیگر نظر باینکه اکثریت پرداخت مبالغ مورد ادعا برای هزینه‌های مرتبط با خاتمه قرارداد را بر اساس قسمت الف از ماده ۸ قرارداد توجیه کرده است (بند ۶۶ ر.ا.ی)، لازم است که اشاره‌ای نیز به ماده مذکور بنمایم. بند ۱ قسمت الف ماده ۸ قرارداد هزینه‌های قابل پرداخت در صورت فسخ را چنین توصیف کرده است:

"پرداخت هزینه کلیه کارهای انجام شده تا تاریخ فسخ قرارداد بر طبق شروط

پرداخت مذکور در مواد دوم و سوم و چهارم فوق منجمله حق الزحمه متعلقه - حقوق پایان خدمت کارمندان فنی و هزینه های لازم مربوط به بازگشت کارمندان فنی و عائله آنها... به وطن و یامبداء مربوط..."

توضیح اینکه حقوق کارکنان که بدان ۱۲۰٪ اضافه تعلق میگیرد موضوع ماده دوم قرارداد است. بطوریکه ملاحظه میشود حقوق پایان خدمت کارکنان در ماده ۸ بعنوان یک قلم مستقل و جدا از حقوق کارکنان که موضوع ماده دوم قرارداد است ذکر شده است. نتیجه واضح آنست که در ماده ۸ قرارداد که اکثریت آنرا حاکم بر تصفیه حساب بین طرفین در صورت فسخ قرارداد دانسته است در احصاء هزینه های قابل پرداخت به دی اند آر فقط به حقوق پایان خدمت اشاره شده است و نه به ۱۲۰٪ اضافه بر آن. اگر آنطور که در رأی استدلال شده است طبق قرارداد حقوق پایان خدمت نیز جزئی از حقوق متداول کارکنان که بموجب ماده دوم قرارداد قابل پرداخت بوده است تلقی میشد دیگر لزومی نداشت قرارداد در ماده ۸ مجدداً تحت عنوان "حقوق پایان خدمت کارکنان فنی" بآن اشاره کند.

بر آورد تجدید نظر شده هزینه عملیات ساختمانی پروژه د :

ظاهراً" اختلاف و تردیدی در این امر نیست که دی اند آر بر طبق مندرجات بند د از ردیف ۳ قسمت دوم از ماده ۲ قرارداد ۴۰۱ مکلف بود مبالغ قطعی صورتحسابهای سال ۱۳۴۶ بابت خدمات طراحی را که بر اساس ضوابط قرارداد قبلی دریافت کرده بود به حساب بستانکار سازمان منظور نماید. دی اند آر تعهد داشت مبالغ صورتحسابهای مذکور را در محاسبات خود منظور کرده و از حق الزحمه مربوط به خدمات طراحی که طبق شرایط مندرج در قرارداد ۴۰۱ محاسبه میگردد کسر نماید. تا این حد قرارداد روشن و موضع طرفین و تعهد دی اند آر نیز مشخص است. اختلافی که پس از اجرای قرارداد ۴۰۱ پیش آمد آن بود که دی اند آر از بستانکار نمودن حساب سازمان بابت صورتحسابهای قطعی سال ۱۳۴۶ خودداری نمود. دی اند آر هم چنین مدعی گردیده است که پاره ای از خدمات طراحی را که وی در سال ۱۳۴۶ تحت

حکومت قرارداد سابق انجام داده و حق الزحمه آنرا نیز تماما دریافت نموده بود عمدتا بعلت تغییرات بعدی قابل استفاده نبوده و لازم بود که مجددا انجام شود. بر این اساس دی اند آر مدعی گردید که نباید همه مبالغ صورتحسابهای قطعی مربوط به سال ۱۳۴۶ را در محاسبات خود به بستانکار حساب سازمان منظور دارد. صرفنظر از شرایط قرارداد و تفسیر آن که اجازه چنین اقدامی را به دی اند آر نمیدهد، تردیدی نیست که اظهار دی اند آر فقط یک ادعا است. لذا بر فرض آنکه تعبیر او را از قرارداد بپذیریم و وی را مخیر بدانیم که وجوه دریافتی بابت آن قسمت از خدمات طراحی را که احتیاج به تجدید نظر داشته است در محاسبه مطالبات خود منظور نماید، این امر وی را از ارائه دلیل و اثبات ادعا معاف نمیکند. لذا این ادعا که پاره‌ای خدمات انجام شده در سال ۱۳۴۶ باید دوباره انجام بشود نیاز بدلیل دارد. برخورد اکثریت با این مسأله بنحوی است که گویا دی اند آر با شرح ادعای خود و معین نمودن رقم آن و ارائه یک سلسله محاسبات، ادعای خود را ثابت کرده است و سازمان تکلیف دارد که با ارائه اسناد و مدارک خاصی خلاف این ادعا را ثابت کند. در این مورد اکثریت دقیقا بر خلاف قاعده بار اثبات ادعا رفتار کرده است. حکم قرارداد دایر بر اینکه کلیه صورتحسابهای قطعی سال ۱۳۴۶ باید از مبالغ قابل مطالبه دی اند آر بابت دستمزد خدمات طراحی پروژه‌های ب، ج و د که طبق شرایط قرارداد ۴۰۱ محاسبه میشود کسر شود روشن و مطلق است. در نتیجه این برعهده دی اند آر بود که در مقام ادعا و بعنوان خواهان پرونده کلیه ارکان ادعای خود را اثبات نماید. دی اند آر مکلف بود با ارائه دلیل ثابت نماید که به کدام دلیل چه میزان و مقدار مشخص از خدمات انجام شده در سال ۱۳۴۶ بعدا قابل استفاده نبوده است. آنچه دی اند آر بعنوان دلیل ارائه داده است منحصر به ارقام و محاسبات مربوط به هزینه‌ها است که دی اند آر به میل خود آنرا طبقه بندی کرده و تخصیص داده است. دی اند آر مدارک مبناء محاسبات خود را ارائه نداده است. هیچگونه مدرکی ارائه نشده است که منجزا نشان دهد خدمات مربوط به طرح خاصی دوباره انجام شده و اساسا چنین اقدامی لازم بوده است. آنچه که بعنوان دلیل ارائه شده در واقع تفصیل و شرح ادعا است نه دلیل. اکثریت در قبول ادعای بدون دلیل دی اند آر که متکی به اظهارات یکی از کارکنان سابق وی میباشد تردیدی نشان نمیدهد و در عین حال مدافعات سازمان را که متکی به همان نوع

محاسباتی که دی اند آر ارائه نموده است میباشد کافی ندانسته و ارائه دلیل کافی را لازم میدانند. اکثریت به صورت ریز محاسبات دی اند آر در خصوص برآورد نهائی هزینه عملیات ساختمانی و مبالغی که بابت صورتحسابهای سال ۱۳۴۶ باید به بستانکار حساب سازمان منظور میگردد اشاره نموده و آنرا با گزارش ارائه شده از سوی سازمان که حاوی همان نوع اطلاعات و محاسبات میباشد مقایسه نموده است لیکن در پایان اکثریت نظر دی اند آر را پذیرفته است و باستدلالات خود با این جمله خاتمه داده است که:

"[سازمان] ادله و مدارک کافی ارائه نکرده که نشان دهد بابت پرداختهای سال ۱۳۴۶ به جای ۱۲۸،۴۲۶/۲۲ دلاری که مورد تصدیق دی اند آر است، استحقاق دارد که مبلغ ۳۲۴،۹۰۰ (۱) دلار به بستانکار حساب وی منظور شود" (بند ۱۷۸ رأی)

اکثریت فراموش میکند که خواهان پرونده دی اند آر است و او باید ثابت کند که برخلاف آنچه که در قرارداد پیش‌بینی و توافق شده بود شرایطی بوجود آمد که به وی حق میداد که در نحوه احتساب مطالبات خود تجدید نظر کند. از سوی دیگر انجام دهنده کار دی اند آر بوده است و لذا هرگونه مدرک در خصوص تغییر طرح‌ها و لزوم انجام دوباره خدمات انجام شده در سال ۱۳۴۶ و انجام خدمات مجدد باید در اختیار وی بوده باشد و وی در مقام ادعا مکلف به ارائه آن بوده است. عدم ارائه اسناد و مدارک مربوط به هزینه‌های ادعائی نه تنها ادعای دی اند آر را بعلت عدم اثبات بی‌اعتبار میسازد بلکه در عین حال موعید ادعای متقابلی است که سازمان در خصوص همین موضوع یعنی بر آورد تجدید نظر شده هزینه عملیات ساختمانی اقامه کرده است. معهذا اکثریت در برخورد با اظهارات و مدافعات سازمان انعطاف ناپذیر است و برای اثبات هر مطلبی دلیل معتبر طلب میکند. بعنوان مثال اکثریت در بند ۱۷۶ رأی مسائلی را که مورد تکذیب دی اند آر نیز نبوده است مورد تردید قرار داده است.

اکثریت در خصوص پرداخت مبلغ ۳۲۹،۹۰۰ دلار که سازمان اظهار نموده است که بابت خدمات انجام شده از سوی دی اند آر در سال ۱۳۴۶ در اجرای پروژه د به دی اند آر پرداخت شده بود تردید کرده و مینویسد "بهرحال نه گزارش [سازمان] و نه هیچ مدرک دیگری در سابقه امر دلیلی برای پرداخت های ادعائی را در بر ندارد". واقعیت آنست که دی اند آر منکر دریافت وجوه عنوان شده از سوی سازمان نبود. اختلاف در آن بود که چه مقدار از مبالغ پرداخت شده برای خدمات انجام شده در سال ۱۳۴۶ باید به حساب بستانکار سازمان منظور میگردد.

نکته دیگری که در مورد ادعای مربوط به پروژه د لازم به یادآوری است آنست که ادعای مذکور بسیار دیر از سوی دی اند آر عنوان شده است. توضیح آنکه در فرض قبول استدلال اکثریت تاریخ آخرین قرارداد موضوع پروژه د که جهت اجرا به مقاطعه کار واگذار گردید سپتامبر ۱۹۷۳ بوده است. طبق استدلال اکثریت حداقل در تاریخ مذکور دی اند آر میتواند بر آورد تجدید نظر شده هزینه عملیات ساختمانی طرح را محاسبه کرده و تسلیم سازمان نماید. دی اند آر باقرار خود هزینه تجدید نظر شده عملیات ساختمانی پروژه د را در فوریه ۱۹۷۷ به سازمان تسلیم نمود. دی اند آر در صفحه ۱۳ شرح ادعای مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۷۷ خود که برای توجیه مطالبه مبالغ اضافی تهیه نموده است چنین اظهار میدارد:

دی اند آر تا این زمان محاسبات مربوط بر آورد تجدید نظر شده عملیات ساختمانی پروژه د را تسلیم نکرده است. علت این امر عدم حصول توافق با نماینده [سازمان] در مورد بر آورد تجدید نظر شده عملیات ساختمانی پروژه های ب و ج و ضمناً تا حدی نیز بعلت مشکلاتی که در دوره طراحی و ساختمان تأسیسات آبیاری پروژه د وجود داشت بوده است.

عدم حصول توافق در خصوص هزینه های پروژه های ب و ج منطقیاً نمیتواند عذری برای تأخیر در تسلیم ادعای مربوط به پروژه د که پروژه مستقلی بوده است تلقی شود. اشکالات در دوره طراحی و ساختمان بعضی تأسیسات پروژه د هم مسبب تأخیر نبوده است زیرا طبق ادعای دی اند آر که مورد قبول اکثریت نیز قرار گرفته است آخرین قرارداد مربوط به پروژه

د در تاریخ سپتامبر ۱۹۷۳ به مقاطعه کار واگذار شد. دی اند آر اگر واقعا ادعای صادق و موجهی در خصوص برآورد تجدید نظر شده عملیات ساختمانی پروژه د داشت می‌بایست آنرا در همان زمان طبق شرایط پیش بینی شده در قرارداد ۴۰۱ به سازمان تسلیم مینمود. تاخیر نزدیک به چهار سال برای تسلیم ادعا خاصه در دوره اجرای قرارداد و در حالیکه طرفین در اجرای پروژه‌های مختلف تحت قرارداد همکاری دائم داشته‌اند نمیتواند عادی و قابل قبول تلقی گردد. حداقل قضیه آنست که دی اند آر با تاخیر در تسلیم ادعای خود در واقع از هر حقی که نسبت به آن داشت صرفنظر کرده است. بنگرید : اوایل فیلد او تگزاس، اینک، و دولت جمهوری اسلامی ایران و شرکت ملی نفت ایران راعی شماره ۱-۴۳-۲۵۸ مورخ ۱۶ مهرماه ۱۳۶۵ صفحات ۱۶-۱۴ (منتشره در 12 Iran-U.S. C.T.R at 316-317)

#### ادعای علیه سازمان امور اداری و استخدامی :

قرارداد موضوع این دعوی تفاهم نامه‌ای است که در اجرای تفاهم نامه‌های قبلی در تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۷۸ منعقد گردیده بود. دی اند آر مدعی است که در سه ماهه سوم از مرحله سوم قرارداد (۲۱ سپتامبر تا ۲۰ دسامبر ۱۹۷۹) خدماتی بر طبق قرارداد برای سازمان امور اداری و استخدامی ("سازمان") انجام داده است و در ازاء آن استحقاق دریافت وجوه مقرر قرارداد را دارد. دی اند آر مدرک قابل قبولی برای اثبات آنکه خدمات موضوع قرارداد را انجام داده و تعهدات قراردادی خود را محترم شمرده است ارائه نداده است. سازمان در لوایح خود مکررا" به این امر متعرض شده و درخواست نموده است که دی اند آر مدرکی ارائه نماید که حاکی از انجام کار موضوع قرارداد بنحو مطلوب و ارائه گزارشهای لازم به سازمان باشد. دی اند آر بعنوان نتیجه کارش طی دوره ۲۱ سپتامبر تا ۲۰ دسامبر سال ۱۹۷۹ سه گزارش که مجموعا" بالغ بر ده صفحه است طی لایحه مورخ ۱۵ نوامبر ۱۹۸۴ خود به دیوان تقدیم نموده است. سازمان منکر آنست که گزارشهای مذکور برای وی ارسال شده است.

گزارشهای مذکور فاقد نامه یا اعلامیه ضمیمه است که ارسال آن را برای سازمان مدلل سازد. دی آند آر دلیل دیگری نیز ارائه نداده است که تسلیم گزارشها را در زمان اجرای قرارداد ثابت نماید. با این اوصاف در واقع در پرونده دلیلی بر اینکه دی آند آر در سه ماهه سوم از مرحله سوم قرارداد کاری طبق قرارداد انجام داده باشد که وی را مستحق به دریافت وجوه قراردادی نماید وجود ندارد.

مسئله دیگر آنست که مفاد گزارشهای مذکور معرف انجام کار مفید یا پیشنهاد و رهنمودی در خصوص موضوعات پیشبینی شده در قرارداد نمیباشد. گزارش مربوط به ۲۱ سپتامبر تا ۲۰ اکتبر ۱۹۷۹ فقط مشتمل بر پنج صفحه است. تعداد کارشناسان دی آند آر که در دوره فوق تحت قرارداد مشغول بکار بوده اند حسب ادعای وی ۱۱ نفر بوده اند. گزارش مربوط به ۲۱ اکتبر تا ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹ نیز از پنج صفحه تجاوز نمیکند. تعداد کارشناسان دی آند آر در این دوره فقط ۶ نفر بوده اند. گزارش مربوط به دوره ۲۱ نوامبر تا ۳۰ دسامبر سال ۱۹۷۹ فقط نیم صفحه است. گزارش مذکور اشاره به هیچگونه کار انجام شده تحت قرارداد ندارد و به تعداد کارشناسان در حال اشتغال در دوره مذکور نیز هیچگونه اشاره ای نشده است. گزارشهای مذکور نه تنها انجام خدمات موضوع قرارداد را اثبات نمیکند بلکه بر عکس بطور وضوح نشان دهنده تخلف دی آند آر از انجام تعهدات قراردادی اش میباشد. در اینجا فقط به یکی از بارزترین این تخلفات یعنی تعداد کارشناسان مشغول بخدمت تحت قرارداد که هیچگونه بحث و تردیدی در مورد آن وجود ندارد اشاره میکنم. بموجب تفاهم نامه مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۷۸ دی آند آر تعهد نمود که :

"برای انجام خدمات مذکور در ایران سی نفر کارشناس که قبلاً در دوره مربوط به مراحل اول و دوم طرح مأمور گردیده بودند و در صورت لزوم تعداد بیشتری کارشناس با همان قابلیتها در اختیار قرار دهد."

بر خلاف تعهد مذکور دی آند آر همانطور که پیشتر گفته شد در عمل برای ماه سپتامبر ۱۱ نفر و برای ماه نوامبر ۶ نفر کارشناس در اختیار داشت و در گزارش ماه دسامبر هم تعداد

کارشناسان ذکر نشده و با توجه به قرائن بیشتر از یک نفر نبوده است. تعداد کارشناسان از آن جهت روشن کننده است که بحث عدد است و مغالطه در خصوص عدد مشکل می باشد. شاید اکثریت مایل باشد چند صفحه ای را که دی اند آر بمنزله انجام خدمات قراردادی اش ضمیمه لایحه سال ۱۹۸۴ خود کرده است بعنوان دلیل قابل قبول بپذیرد و بدون اطلاع کافی از محتویات پرونده بی اساس بودن چنین تصمیمی عمیقاً درک نشود، اما در مورد تعداد تصور نمیکنم که در بی اساس و غیر منصفانه بودن نتیجه گیری مندرج در رأی نیازی به اطلاع از کلیه محتویات پرونده باشد.

اکثریت خود نیز به این مشکل توجه داشته است ولی ظاهراً "آنها موثر در مقام ندانسته و در بند ۳۱۳ رأی چنین انشاء کرده است:

"دیوان ملاحظه مینماید که طبق گزارش دی اند آر از مرحله سوم، بجای "پیش از سی نفر کارشناس" مورد لزوم طبق ماده ۲ تفاهم نامه، تنها ۱۳ کارشناس در این پروژه کار میکردند. لیکن تقلیل مزبور ممکن است طبق اظهار مندرج در گزارش، بعلت شرایط موجود در ایران صورت گرفته باشد"

این استدلال جدا "نادرست است. اکثریت با این اظهار صریحاً پذیرفته است که دی اند آر از تعهدات قرارداد تخلف کرده است. طبعاً لازم بود بدنبال این مقدمه نتیجه گیری شود که دی اند آر متخلف از قرارداد بوده و حق مطالبه وجهی ندارد. یا حداقل لازم بود که دی اند آر با ارائه دلیل ثابت کند که بدلیل شرایط خاص موجود در ایران با وجود بکار بردن حداکثر مساعی خود نتوانسته است بدلیل فورس ماژور تعهدات قراردادی خود را انجام دهد. دی اند آر چنین امری را ثابت نکرده است. اکثریت نیز ظاهراً "لزومی باین امر ندیده است و فقط به گمان آنکه ممکن است تقلیل تعداد کارشناس ناشی از شرایط موجود در ایران بوده باشد" دی اند آر را معذور از انجام تعهدات قراردادی اش دانسته و مبالغ ادعائی یعنی وجوه قراردادی را که فقط در صورت انجام کامل تعهدات قراردادی قابل پرداخت به دی اند آر بوده است مورد حکم قرارداده است. در رأی روشن نشده است که منظور از شرایط موجود در ایران چه بوده



است و چه اثر حقوقی بر آن بار میشود. آیا شرایط خاص قطعاً وجود داشته است یا خیر و آیا در حدی بوده است که فورس‌ماژور تلقی شود یا خیر. حتی اگر فرض شود که شرایط حاکم فورس‌ماژور بوده است و دی اند آر بدلیل فورس‌ماژور نتوانسته بود تعداد کافی کارشناس بکار بگمارد باز جای سؤال است چرا سازمان باید مسوئل پرداخت وجوه قراردادی برای خدماتی که دی اند آر به دلیل فورس‌ماژور موفق بانجام آن نشده است باشد. مسأله دیگر آنست که چگونه دی اند آر موفق شد تحت شرایط موجود در ایران با در اختیار داشتن فقط ۱۳ نفر خدمات موضوع قرارداد را انجام دهد. سؤال دیگر آنست که شرایط موجود در ایران چگونه بوده است که اجازه کار کرد به ۱۳ نفر کارشناس را میداده ولی امکان کار برای ۳۰ نفر ممکن نبوده است. در رأی به این مسائل که مقدماتاً به ذهن هر فرد عادی در برخورد با ادعای دی اند آر میرسد توجهی نشده است.

ایراد دیگر به رأی آنست که برخلاف اقرار صریح دی اند آر و شاهد وی آقای میسی دایر بر اینکه دوره کار کرد دی اند آر در مرحله سوم قرارداد فقط ۸ ماه بوده است، دوره کار کرد را ۹ ماه منظور داشته است. دی اند آر در صفحه ۲۰ دادخواست مینویسد.

"بهرحال در دوران کوتاه هشت ماهه مرحله سوم، دی اند آر موفق به پیشرفت قابل ملاحظه‌ای گردید..."

آقای میسی که بعنوان شاهد دی اند آر اظهاریه‌ای تقدیم کرده است در بند ۷۶ اظهاریه خود میگوید:

"در دوره هشت ماهه<sup>۶</sup> انجام خدمات مشورتی تحت مرحله سوم قرارداد، دی اند آر ۳۳ گزارش مشورتی به آقای عالمیرد تسلیم نموده." (مدرک شماره ۲۹۱)

آقای میسی حسب ادعا در مقام رئیس دی اند آر قرارداد موضوع ادعا را شخصاً امضاء نموده است و ظاهراً دراطلاع نامبرده از مدت فعالیت دی اند آر در مرحله سوم قرارداد نمیتوان تردیدی داشت. این نکته از آن حیث حائز اهمیت است که دی اند آر حسب تأیید خود وجوه

قراردادی مربوط به سه ماهه اول و دوم مرحله سوم قرارداد (شش‌ماه) را دریافت کرده بود. لذا با توجه به اقرار دی اند آر بر اینکه کل دوره عملکرد وی در مرحله سوم قرارداد هشت ماه بوده است وی حداکثر می‌توانست ادعائی برای وصول وجوه قراردادی مربوط به دو ماه از سه ماهه سوم مرحله سوم قرارداد را نزد دیوان مطرح نماید. معیناً اقراریه پیش‌گفته دی اند آر بشرح مندرج در دادخواست و اظهارات آقای میسی نادیده گرفته شده و در بند ۳۱۶ راعی چنین انشاء گردیده است :

"دیوان یادآور میشود که با آنکه دی اند آر در دادخواست خود اظهار کرده که فقط هشت ماه کار انجام شده بود، مدارک مربوط به زمان اجرای کار نشان میدهد که ۹ ماه کار انجام شد."

در خصوص مدارک مربوط به زمان اجرای کار لازم بذکر است که مدرک مربوط به یکماه مورد بحث (۲۱ نوامبر تا ۲۰ دسامبر ۱۹۷۹) عبارت از یک صفحه مشتمل بر حدود ۱۰ سطر است که طی آن حتی ادعای انجام کاری از سوی دی اند آر نشده است و بر خلاف معمول تعداد کارشناسانی که در ماه مذکور مشغول فعالیت بوده اند نیز ذکر نشده است و این خود قرینه‌ای قوی بر این امر است که در واقع هیچیک از کارشناسان در دوره یکماهه مذکور بانجام خدمات قراردادی اشتغال نداشته اند. اختلاف در اظهارات دی اند آر و شاهد وی که مدت عملکرد را در طی مرحله سوم قرارداد صراحتاً "هشت ماه اعلام کرده‌اند از یک سو و صورتحساب صادره که مدت عملکرد در آن ۹ ماه منظور گردیده است از سوی دیگر، تحت هر استنباط متعارف و هر قاعده دادرسی فقط بضرر دی اند آر قابل حل است.

ادعای علیه وزارت نیرو :

ادعاهای دی اند آر علیه وزارت نیرو شامل دو قسمت است: الف- استرداد کسور حسن انجام کار ب - صورتحسابهای پرداخت نشده.

الف: کسور حسن انجام کار بدلیل تخلفات دی اند آر از قرارداد قابل بازپرداخت نمیباشد. بارزترین نمونه تخلف دی اند آر از قرارداد تاخیر وی در تسلیم گزارشهای موضوع قرارداد به وزارت نیرو است. توضیح اینکه قرارداد بین دی اند آر و وزارت نیرو در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۳ منعقد شده بود. مدت قرارداد یعنی تاریخ تحویل گزارشهای موضوع مرحله دوم بشرح ماده ۳ قرارداد ۵۰ ماه پس از تاریخ انعقاد آن تعیین گردیده بود. در نتیجه تاریخ اختتام قرارداد بدواً نوامبر ۱۹۷۷ بوده است. متعاقب درخواست بعدی دی اند آر و موافقت وزارت نیرو قرارداد بمدت چهار ماه تمدید گردید. تمدید مذکور باعث گردید که تاریخ اصلاح شده اختتام مدت قرارداد و در نتیجه تاریخ تحویل گزارش نهائی موضوع قرارداد ۲۰ مارس ۱۹۷۸ باشد.

دی اند آر حسب ادعای خود هشت مجلد از ده مجلد گزارش موضوع قرارداد را در سپتامبر ۱۹۷۸ و ۲ مجلد آخری را در ماه مه سال ۱۹۷۹ برای وزارت نیرو ارسال نمود. نتیجه واضح این مقدمه آنست که دی اند آر از موعد مندرج در ماده ۳ قرارداد در خصوص تحویل گزارشها تخلف نموده است. تخلف مذکور به تنهایی مجوزی است که دی اند آر را از دریافت کسور حسن انجام کار محروم نماید. توسل اکثریت به ماده ۱۷ قرارداد غیر موجه و نادیده انگاشتن سایر مصراحتات قرارداد میباشد. ماده مذکور که در آن به تعویق "بیش از یک چهارم از مدت پیشبینی شده برای انجام کار هر مرحله از قرارداد" اشاره شده است مربوط به شرایط فسخ قرارداد است و در نتیجه شرایطی را پیشبینی می کند که بر طبق آن وزارت نیرو حق داشته است قرارداد را فسخ نماید. طبق ماده مذکور وزارت نیرو در صورتیکه تاخیر در انجام کار هر مرحله از قرارداد بیش از یک چهارم مدت پیشبینی شده برای انجام آن مرحله از قرارداد باشد، حق فسخ قرارداد را خواهد داشت. از جمله عوارض فسخ در ماده مذکور ضبط کسور حسن انجام کار است. ماده مربوط به کسور حسن انجام کار ماده ۱۵ قرارداد است که بطور مطلق به وزارت نیرو حق میدهد که در صورت عدم انجام تعهدات دی اند آر کسور حسن انجام کار را بنفع خود ضبط کند. بند ۱ ماده ۱۵ مقرر میدارد که: "... در صورت عدم انجام تعهدات مهندس مشاور [دی اند آر] یا خاتمه دادن به قرارداد بعلت قصور مهندس مشاور در انجام

تکالیف یا در صورت عدول مهندس مشاور از انجام قرارداد، وجه الضمان مذکور بنفع کارفرما [وزارت نیرو] ضبط خواهد گردید." بطوریکه ملاحظه میشود قرارداد حالات مختلفی را برای ضبط کسور حسن انجام کار پیش‌بینی کرده است؛ یکی از فروع "خاتمه دادن به قرارداد بعلت قصور [دی اند آر]" میباشد. فرض دیگر مطلق بوده و تحقق آن منوط به فسخ قرارداد نبوده و در نتیجه به الزامات ماده ۱۷ قرارداد برای فسخ محدود نمیشود. فرض‌آخر "عدم انجام تعهدات" از سوی دی اند آر را بطور مطلق مجوز ضبط کسور حسن انجام کار توسط وزارت نیرو اعلام میدارد. تردیدی نیست که تسلیم کار موضوع قرارداد با ۱۴ ماه تأخیر تخلف بارز دی اند آر از مفاد ماده ۳ قرارداد است. همینطور تردیدی نیست که انجام کار موضوع قرارداد را با چنین تأخیری نمیتوان حسن اجرای کار تلقی نمود. لذا اینکه بر حسب منطوق ماده ۱۷ قرارداد تأخیر کمتر از ۱۴ ماه موجب فسخ قرارداد نمیشده است، مبیانیتی با این واقعیت ندارد که دی اند آر کار موضوع قرارداد را بموقع انجام نداده و طبق ماده ۱۵ قرارداد حقی به دریافت کسور حسن انجام کار که مستلزم انجام صحیح و بموقع کار است ندارد بدون آنکه قرارداد فسخ شده باشد.

بر خلاف نظر اکثریت زمان انجام کار از جنبه های مهم و اساسی قرارداد است. برای تأیید این مطلب و نیز تأیید آنکه تأخیر در تسلیم گزارشها تخلف از قرارداد بوده و حداقل این حق را به وزارت نیرو میداده است که کار انجام شده را ولو بدلیل تأخیر در تسلیم آن ناقص تلقی کرده و کسور حسن انجام کار را مسترد ندارد، لازم میدانم به ماده ۳ قرارداد اشاره کنم. در ماده سه قرارداد تمدید مدت پیش بینی شده در قرارداد مشروط به شرایط مشخص و نیز تأیید وزرات نیرو گردیده است. بند ۲ ماده ۳ مقرر میدارد:

"در صورتیکه علی خارج از قصور مهندس مشاور تمدید هر یک از مدتهای مندرج در این ماده را ایجاب کند، مهندس مشاور با ذکر دلایل خود تمدید مدت را بکار فرما پیشنهاد و در صورتیکه کارفرما دلایل مهندس مشاور را صحیح تشخیص دهد با تمدید برای مدت مناسبی موافقت خواهد نمود"

تردیدی نیست که دی اند آر نمیتوانسته است بدون توجه به ماده مذکور و برای مدت ۱۴ ماه

بدون اطلاع مراتب به وزارت نیرو تحویل کار را بتعویق انداخته و با وجود آن مدعی "حسن انجام کار" گردد.

ب: ادعای مربوط به صورتحسابهای دی اند آر نیز بدلائل متعددی محکوم برد است: اول آنکه ادعای مذکور فاقد مبناء قراردادی است. همانطور که قبلاً گفته‌ام مدت قرارداد با احتساب چهار ماه تمدید آن در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۷۸ خاتمه یافته است. در نتیجه صورتحسابهای مذکور که برای کار ادعائی انجام شده پس از تاریخ مذکور یعنی از ۲۰ مارس تا اوت ۱۹۷۸ است مربوط به دوره‌ای است که قراردادی که تعهد پرداخت برای وزارت نیرو ایجاد کند وجود نداشته است. نتیجه غیر قابل تردید این واقعیت آنست که اگر فرضاً دی اند آر پس از خاتمه مدت قرارداد یعنی پس از ۲۰ مارس ۱۹۷۸ کاری انجام داده باشد، انجام کار از ناحیه وی برای انجام تعهداتی بوده است که وی ملزم به انجام آن در دوره نفوذ قرارداد بوده است. دی اند آر طبق ماده ۳ قرارداد و اصلاحیه آن متعهد بوده است که کار موضوع قرارداد را حداکثر تا تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۷۸ انجام داده و به وزارت نیرو تحویل دهد. این امر که دی اند آر موفق به انجام اینکار نشده و حسب ادعا ضرورت داشت که برای انجام تعهداتش بعد از خاتمه مدت قرارداد نیز به کار ادامه دهد مجوز پرداخت وجه اضافی به دی اند آر نمیشد. بدیهی است اگر دی اند آر کار خود را بموقع انجام داده و گزارشهای موضوع قرارداد را در تاریخ اختتام قرارداد یعنی ۲۰ مارس ۱۹۷۸ به وزارت نیرو تحویل داده بود، موردی برای مطالبه مبالغی که اکنون بابت کار انجام شده بعد از تاریخ مذکور مدعی دریافت آنست وجود نمی‌داشت. لذا حکم به پرداخت صورتحسابهای مربوط به دوران بعد از اختتام مدت قرارداد به دی اند آر گذشته از آنکه فاقد مبناء قراردادی است، در واقع بمنزله آنست که به دی اند آر برای تاخیر در انجام تعهدات قراردادی اش پاداش داده شود. بعبارت دیگر وزارت نیرو بخاطر آنکه دی اند آر در انجام کارش تاخیر نموده است، محکوم به پرداخت مبالغ بیشتری به دی اند آر گردیده است.

اشکال دیگر به تصمیم اکثریت عدم توجه به ایرادات وزارت نیرو به نواقص متعدد در

گزارشهای تسلیم شده است. وزارت نیرو با تسلیم شهادتنامه‌هایی از متخصصین امر به تفصیل ایرادات وارد به مفاد گزارشها و نواقص آنها را برشمرده است که غالباً از ناحیه دی اند آر بلا جواب مانده است. ایرادات مذکور در عین حال اساس ادعای متقابل وزارت نیرو را نیز تشکیل میدهد. متأسفانه اکثریت با استناد به ماده ۵ قرارداد که طبق آن موعد اعتراض به مفاد گزارشها ۶۰ روز از تاریخ تسلیم آنها تعیین گردیده است و به عذر عدم وجود چنین اعتراضی خود را از رسیدگی به ماهیت ایرادات مطروحه از جانب وزارت نیرو معاف دانسته است. صرفنظر از اینکه چنین استدلالی با در نظر گرفتن اوضاع و احوال قضیه غیر عادلانه و تضييع حق وزرات نیرو است در عین حال از آن حیث اشتباه است که اکثریت از یکطرف در مقام تأیید قابل پرداخت بودن صورتحسابهای مورد ادعای دی اند آر مصرحات قراردادی از جمله تاریخ انجام کار و تحویل گزارشها بشرح مندرج در ماده ۳ قرارداد را مطلقاً نادیده گرفته و قرارداد را آنچنان وسیع تعبیر میکند که دی اند آر را محق به دریافت مبالغ صورت حسابها برای کار ادعائی انجام شده در خارج از مدت قرارداد میدانند و از سوی دیگر در مقام رسیدگی به اعتراضات و ادعای متقابل وزرات نیرو اجرای جزء ۶ به جزء ۶ تعهدات فرعی (اعتراض ظرف ۶۰ روز از تاریخ تحویل گزارش) را حتی ۱۴ ماه پس از انقضای مدت قرارداد برای وزارت نیرو الزام آور میداند.

نکته دیگری که بدان توجه نشده است آنست که طبق ماده ۱۱ قرارداد اعتبار موضوع قرارداد محدود به ۱۶۵ میلیون ریال بوده است. وزارت نیرو تعهدی برای پرداخت وجه فراتر از رقم مذکور نداشته است. طبق مدارک تسلیم شده توسط وزارت نیرو که مورد تکذیب دی اند آر نیز واقع نشده است پرداخت های انجام شده به دی اند آر در خاتمه دوره قرارداد از سقف اعتبار فوق الذکر تجاوز نموده بود و لذا وزارت نیرو تعهد قراردادی بپرداخت مبالغ اضافی حتی بفرض صحت و قابل پرداخت بودن آن با توجه به سایر مواد قرارداد نداشت.

در مورد هزینه های داوری و بهره چون قبلاً نظر خود را در سایر پرونده‌ها اعلام کرده ام لذا از تکرار مجدد نظرات خود در خصوص مخالفت با صدور حکم در خصوص آن خودداری

مینمایم. رجوع کنید به اچ.ا. اسپالدینگ، اینکورپوریتد و وزارت راه و ترابری جمهوری اسلامی ایران راعی شماره ۳-۴۳۷-۲۱۲ مورخ پنجم اسفند ماه ۱۳۶۴، نظر موافق قاضی پرویز انصاری (منتشره در 10 Iran-U.S. C.T.R. 35-36) و مک کالو اند کامپنی اینکورپوریتد و وزارت پست و تلگراف و تلفن و دیگران، حکم شماره ۳۶-۸۹-۲۲۵ مورخ دوم اردیبهشت ۱۳۶۵، نظر جداگانه قاضی پرویز انصاری (منتشره در II Iran-U.S. C.T.R 45-52).

لاسه، بتاريخ ۲۹ بانما ۱۳۶۹ برابر با ۲۰ نوامبر ۱۹۹۰

